

استخراج حضرت آیت الله حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی

از موسسین جمعیت

ربیع الاول ۱۳۹۸ برابر اسفند ۱۳۵۶

بسم الله الرحمن الرحيم

کرامت و شرف انسانی بموجب آیه کریمه ولقد کرّمنا بنی آدم از طرف آفریدگار جهان مسجل شده و شامل همه اعضاء خانواده بزرگ بشری است و اعتراف به آن و حقوق انسانی زیربنای آزادی ها و عدالت و صلح جهانی و همزیستی مسالمت آمیز است. متأسفانه دز طول تاریخ جز در فترت‌های کوتاه مدت (یعنی دوران رهبری و حکومت پیامبران و پیشوایان الهی) این حقیقت در جامعه های بشری بپوشیده فراموشی سپرده شده است و مورد بی اعتنائی قرار گرفته و همچنان ادامه دارد. هم اکنون ما ناظر جنایتها و خونریزیها و درنده خوئیها و حق کشیها هستیم که بشر را برتبه وحشیترین حیوان تنزل داده و وجدان انسانی را آزار میدهد. ظلم و استبداد و استثمار از یکسو و ترس و گرسنگی و بینوائی و عصیان از سوی دیگر درگیر شده نه تنها همزیستی مسالمت آمیز را ممتنع ساخته بلکه ادامه حیات بشر را بخطر انداخته و بانقضاض تهدید میکند و از انفجار قریب الوقوع خبر میدهد. احساس خطر و نه عواطف انسانی و دلسوزی! زعمای دولتهای نیرومند را بچاره جوئی برانگیخته و در پایان دومین جنگ جهانی منشوری مبنی بر اعتراف بحقوق انسان و لزوم رعایت آن تنظیم نموده و روسای قدرتهای مشترک و بیشتر کشورهای دیگر آنرا تعهد و امضاء نمودند که در بدو امر نوید امید بخشی تلقی گردید.

ولی برخلاف آرزو و انتظار پس از اندک زمانی بصورت پندنامه و توصیه درآمده و فاقد ضمانت اجرای بین المللی گردید. چنانکه هم اکنون تجاوز بحقوق افراد و ملتهای ضعیف در سرزمینهای مختلف بحال خود باقی است و سازمان ملل با خونسردی تماشاگر آنست و تنها بصدور قطعنامه اکتفا میکند! معذرت اینجانب باتفاق جمعی از دانشمندان و نویسندگان محترم نه بعنوان اعتقاد بهمه مواد منشور حقوق بشر و یا اطمینان بیک عمل موثر از طرف سازمان ملل بلکه نظر بقانون منطقی جدل (یعنی الزام طرف مناظره بآنچه که خود قبول کرده و تعهد نموده است) نامه مبنی بر شرح اوضاع جاری کشور و موارد نقض حقوق بشر به دبیر کل سازمان ملل نوشته و فرستادیم که شاید هنوز هم تحت بررسی است! ولی اساساً معتقدم دفاع از حق پیش از اینگونه تشبثات بعهد خود صاحب حق است و آئین مقدس اسلام قرن‌ها پیش از انقلاب فرانسه و تاسیس سازمان ملل (که بعضی از بیخبران بغلط آنها را مبتکر و پیشگام میپندارند) حقوق بشر را با توجه به ارزشهای انسانی حتی شامل جنین در رحم مادر که چشم بجهان نگشاده است کلاً و جزءً معین کرده و ضمانت اجرای آنرا با دستور اکید امر بمعروف و نهی از منکر بعهد ملت رشید مسلمان محول نموده است ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض. (۱) و چون قیام بمطالبه حق فرع آگاهی از حق است لازم بنظر رسید تا آنجا که فرصت مراجعه بمدارک آن بود قسمتی از کلیات حقوق بشر مستخرج از قرآن مجید و سنت حضرت خاتم الانبیاء و ائمه هدی صلوات الله و سلامه علیهم را در طی بیست و سه ماده باطلاع برادران ایمانی برسانم تا هر کس مایل باشد آزادانه از آن پشتیبانی نموده و بطرفداران حقوق بشر بپیوندد. توفیق همگی را از پیشگاه قادر متعال خواستارم.

ماده اول

همه افراد بشر عضو خانواده بزرگ انسانی و دارای احترام و حقوق متقابل هستند و لقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقتنا تفضیلاً.^۲

و همه آنها از موهبت خرد و وجدان برخوردارند و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئاً و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده لعلکم تشکرون^۳ و لا اقسام بالنفس الوامه.^۴ و همگی از یک پدر و مادر بوجود آمده اند و طبعاً برادر و خواهر

یکدیگرند. یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدہ و خلق منها زوجھاوبث منهما رجالاً کثیراً و نساءً. ° و امیرالمومنین صلوات الله علیه فرموده: الانسان اخو الانسان احب ام کره. ^٦

ماده دوم

اختلاف رنگ بشره و نژاد و لغت و زاد و بوم نمیتواند منشاء امتیاز و برتری گروهی بر گروه دیگر یا فردی بر فرد دیگر باشد و همه افراد بشر بیکسان از حقوق انسانی بهره مند هستند یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم. (٢) کلکم لآدم و آدم من تراب لیس لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی و لا لآدم علی اسود و لا لآدم علی احمر فضل الا بالتقوی. ^١ الناس سواسیه کاستنان المشط. ^٢ و خدا بشر را برد و نوع آزاد و برده نیافریده است و همه آنان آزاد بوجود آمده اند. لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً. ^٣

ماده سوم

همه افراد بشر در برابر قانون مساوی بوده و قانون بدون تبعیض باید درباره همه اعم از خویشاوند و بیگانه و توانگر و تهیدست و دوست و دشمن اجر بشود یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم اوالوالدین و الاقربین ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی. ^٤ و لا یجر منکم شان قوم علی ان لا تعدلوا. ° انما هلک من قبلکم انهم کانوا اذا سرق فیهم شریف ترکوه و اذا سرق ضعیف اقاموا علیه الحد. ^٦ علیکم بالعدل علی الصدیق و العدو. ^٧ لاتبعوا علی اهل القبله و لا تظلموا اهل الذمه. ^٨

ماده چهارم

همه افراد بشر حق دارند از نعمت حیات برخوردار باشند و این حق برای همه تضمین شده است. و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق. ^١ من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً. ^٢ و همچنین از حق امنیت همگی بهره مند هستند و هیچ کس را از کسی دیگر سلب امنیت نکند و سخت ترین کیفر درباره او مقرر شده است انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله ان یقتلوا و یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض. ^٣ و نیز همه افراد از حق آزادی برخوردارند و نمیتوان کسی را به بردگی گرفت یا بتجارت برده فروشی پرداخت فلا اقتحم العقبه. و ما ادراک ما العقبه. فک رقبه. او اطعام فی یوم ذی مسفبه. ^٤ شر الناس من بیع الناس.

ماده پنجم

هیچ یک از افراد بشر را در مورد اخذ اعتراف یا بهر منظور دیگر نمیتوان آزار و شکنجه روحی یا بدنی داد یا درباره اش وحشیانه و توهین آمیز رفتار کرده و بشرف و آبرویش لطمه وارد ساخت ان الله یعذب الذین یعذبون الناس فی الدنيا. ^٦ ظهر المسلم حمی الا بحقه. ^٧ من آذی ذمياً فقد آذانی. ^٨

ماده ششم

همه افراد بشر حق دارند برای احقاق حق خود یا دفاع و رفع تجاوز دیگران به دادگاه صالح مراجعه و دادخواهی نمایند و یاری طلبند و بقانون عمل دادرسی بشوند و لمن انتصر من بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل. انما السبیل علی الذین یظلمون الناس و یبیغون فی الارض بغير الحق. ^٩

ماده هفتم

هیچکس را نمیتوان خودسرانه باز داشت یا زندانی یا تبعید نموده و الذین یوءذون المومنین و المومنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثمأً مبیناً^۱

ماده هشتم

متهم مادام که در دادگاه صالح و علنی و بیطرف با در اختیار داشتن و سیله و آزادی در دفاع از حق خود جرمش ثابت نشده و محکوم علیه نگشته است بری و بیگناه شناخته میشود فا ذلم یاتوا بالشهداء فاولئک عندالله هم الکاذبون^۲ و هیچکس را بیشتر از آنچه که قانون معین کرده است نمیتوان مجازات کرد جزاء و فاقاً^۳ و لکنه یصنع بهم علی قدر جنایتهم^۴

ماده نهم

هیچ کس نباید در خصوصیات زندگی افراد و خانواده هایشان و در مراسلات آنان فضولانه مداخله کند یا خانه و محل کار اشخاص را مورد تفتیش قرار بدهد ولا تجسسوا^۵ و نباید سر زده بخانه کسی پای بنهد لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا علی اهلها^۶ و اذ قیل لکم ارجعوا فارجعوا^۷
همه افراد بشر حق دارند از اینگونه تعرضات ناروا در امان باشند.

ماده دهم

هر کسی حق دارد در کشور خود هر جا که مایل باشد اقامت گزیند و یا آزادانه بکشور دیگر مهاجرت بنماید یا عبادی ان ارضی واسعة فایای فا عبدون^۸ یا در اثر فشار و سختگیریهای ناروی دستگاه حاکم بکشور دیگر پناهنده شود قالوا الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها^۹ خیر البلاد ما حملک^{۱۰}

ماده یازدهم

هر کس حق دارد آزادانه تابعیت کشور دلخواه خودش را بپذیرد لیس بلد باحق بک من بلد^۱ من ضیعه الاء قرب اتیح له الاء بعد^۲

ماده دوازدهم

هر یک از مرد و زن که به سن ازدواج رسیده اند حق دارند با رضا و رغبت خود همسر انتخاب کرده و تشکیل خانواده بدهند و کسی دیگر نباید در امر ازدواج آنها مداخله کند ولا تعضلو هن ان ینکنن ازواجهن^۳ و لکن زن مسلمان نمیتواند و حق ندارد با مرد غیر مسلمان ازدواج بکند لا هن حل لهم و لا هم یحلون لهن^۴ هر یک از زن و شوهر در آغاز ازدواج و دوران زناشوئی و بهنگام جدائی از حقوق مشروع و متقابله برخوردار خواهند بود ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف^۵ و در دوران زناشوئی ریاست و وظیفه سرپرستی و ترفیه وضع زندگانی خانواده با شوهر است. الرجال قوامون علی النساء^۶ وللرجال علیهن درجه^۷

ماده سیزدهم

هر یک از مردان و زنان حق تملک و استقلال تصرف دارند و میتوانند از این حق چه بصورت انفرادی چه بصورت اشتراکی استفاده بنمایند للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن^۸ شوهر حق ندارد چه در دوران ازدواج چه بهنگام

جدائی زنی را زیر فشار قرار داده و یا بحیله و نیرنگ و تهمت زدن بر وی همه یا قسمتی از مهر یا سایر اموال زنا را از او بگیرد و لا تعضلوا هن لذهبنوا ببعض ما اتیموهن.^۱ و آیتیم احدا هن قنطاراً فلا تاخذوا منه شیئاً^۲

ماده چهاردهم

یهودی و مسیحی و زرتشتی که در کشورهای اسلامی در حمایت جامعه مسلمین بسر میبرند از حقوق انسانی و همزیستی مسالمت آمیز بشرط مراعات شروط ذمه برخوردار خواهند بود و در احوال شخصیه و حل و فصل اختلافات فیما بین خودشان حق مراجعه بقضات و روحانیان مذاهب خود دارند و میتوانند مراسم و آداب مذهبی خودشانرا بصورت انفرادی و بصورت دسته جمعی در معابدشان برگزار بنمایند. لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین.^۱ و نباید آنها را بترک دین شان مجبور کرد لا اکراه فی الدین.^۲

ماده پانزدهم

نوع بشر که از مواهب فکر و بیان و قلم برخوردار است حق دارد همه این تجهیزات و موهبتها را بکار برد و در امور مربوط بدین و دنیا بتفکر بپردازد. کذلک یبین الله لکم الایات لعلکم تتفکرون فی الدنیا و الآخره.^۳ الفکر مرآه صافیة.^۴ و حق دارد افکار خود را شفاهاً ب دیگران عرضه بنماید خلق الانسان علمه البیان.^۵ و حق دارد اندیشه هایش را بقلم آورد و ربک الاکرم الذی علم بالقلم.^۶ و حق دارد آراء و افکار دیگرانرا هم بررسی بنماید و آنچه را که بهتر و سازنده تر بداند برگزیند فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب.^۷ من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء.^۸

ماده شانزدهم

هر کس حق دارد آزادانه عضویت جمعیتی را بپذیرد یا در اجتماعات مسالمت جو شرکت بنماید و نمیتوان کسی را بعضویت جمعیت مخصوصی مجبور نمود قل کل یعمل علی شاکلته.^۱

ماده هفدهم

هر کس حق دارد با داشتن صلاحیت و کفایت در شرایط متساوی بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی وی متصدی مشاغل کشوری بشود و هیچ چیز جز کاردانی و امانت شرط ارجاع مقام و منصب نیست ان خیر من استاجرت القوی الامین.^۲ و زاده بسطه فی العلم و الجسم.^۳ لو سلمتم الامر الالهه لسلمتم^۴

ولی تصدی منصب زمامداری و فرماندهی و قضاوت و سیاست و سربازی و سپاهیگری مخصوص و مختص بمردان است.

ماده هیجدهم

هر کس حق و وظیفه دارد کار و پیشه مشروعی برای خود انتخاب کند فلا تکسل فی معیشتک فتکون کلاً علی غیرک.^۵ و حق دارد مستقلاً از ثمره کار و کوشش خودش بهره مند باشد و فحناه ایدیهم لا تکنون لغیر افواهم.^۶ و اگر از طرف کارفرما بکاری گماشته شود حق دارد از مزد متناسب با کار و کافی برای زندگانی خود و خانواده اش برخوردار گردد و فرصت استراحت و تجدید قوی بوی داده شود و در بحرانهای بیکاری مورد حمایت دولت و جامعه قرار گیرد و بفقر و ذلت نیفتد استعملتموه حتی اذا کبر و عجز منعموه! انفقوا علیه من بیت المال.^۷ و هیچ کس را نمی توان بکاری که مایل نیست مجبور کرد لا اودان اجبرا احدا علی عمل یکرهه.^۸

ماده نوزدهم

هر کس حق دارد از معیشت متوسط و از سلامت و رفاه خود و خانواده اش از جهت غذا و مسکن و لباس و بهداشت و سایر خدمات اجتماعی برخوردار شود و در حوادث غیر اختیاری مانند بیماری و از کار افتادگی و زیانهای طبیعی مانند سیل و

زلزله و غیره بالخصوص بیوه زنان و کودکان بی سرپرست مورد رعایت دولت و جامعه قرار گیرند و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ. ^۱ و به فساد و آلودگی بکارهای غیر انسانی کشانده نشوند و تعاونوا علی البر و التقوی. ^۲

ماده بیستم

چون قوای هر کشور ناشی از ملت و توده مردم است هر کس حق دارد در امور و اداره کشور خود مستقیماً یا بوسیله نمایندگانی که با آزادی کامل انتخاب شده باشند اظهار نظر بنماید و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون. ^۳ و حق دارد از کارهای خلاف مصالح عمومی و تصمیمات ناروی زمامداران انتقاد و اعتراض بنماید و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر. ^۴ من رای منکرأ فیغیره بیده و الا فبلسانه و الا فبقلبه. ^۵ افضل الجهاد کلمه حق عند سلطان جائز. ^۶ و هر گاه روش دستگاه حاکم به نقض قوانین اسلام و باسستبداد و خودسری بیانجامد حق عصیان تا آنجا که حاکم جائز را سر جای خود بنشانند برای توده مردم محفوظ است. و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض. ^۷ و الذین اذا اصابهم البغی هم ینتصرون ^۱ لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق و انما الطاعه فی المعروف ^۲

ماده بیست و یکم

هر کس حق دارد برای رشد و کمال شخصیت انسانی خود از تعلیم و تربیت برخوردار گردد اعم از تعلیمات ابتدائی و متوسطه و حرفه و در شرایط متساوی و آمادگی از تعلیمات عالیه طلب العلم فریضه علی کل مسلم. ^۳ الاوان طلب العلم اوجب علیکم من طلب المال. ^۴ و نیز حق دارد او علوم و معارف ملل دیگر استفاده و اقتباس بکند اعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه. ^۵

ماده بیست و دوم

آزادی افراد محدود است باینکه موجب زیان و تجاوز بحق دیگران و سلب آزادی آنان نباشد لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام. ^۶ و نیز بر خلاف مصالح عمومی عملی انجام ندهد ان قومأ ركبوا فی سفینه فاقتموها فصار لکل رجل منهم موضع فنقر رجل منهم موضعه بفاس فقالوا له: ما ذا تصنع؟ قال: هو مکانی اصنع فیہ ما اشاء فان اخذوا علی یده نجا و نجوا وان ترکوه هلك و هلكوا. ^۷

ماده بیست و سوم

هرکس حق دارد از نظامی که در آن همه این حقوق موبمو اجرا میشود برخوردار گردد اَعْتَصِمُوا بِالَّذِمِّمِ فِی اَوْتَادِهَا. ^۸

پایان

سید ابوالفضل موسوی

ربیع الاول ۱۳۹۸

(۱) اگر خدا برخی مردم را در برابر برخی دیگر (زورگویان) برنمیانیخت فساد روی زمین را فرا میگرفت

(۲) - ای مردم همه شما را راز یک مرد و زن آفریدیم و بصورت ملتها و خاندانها درآوردیم تا یکدیگر را بشناسید همانا ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین است. (۱۳ سوره حجرات).

۱- همه تان فرزندان آدم هستید و آدم از خاک پدید آمده است و عرب را بر عجم و عجم را بر عرب و سفید را بر سیاه و سیاه را بر سفید برتری تیسست جز به تقوی. (حدیث نبوی ۴۳ سیره ابن هشام).

۲- مردم همه یکسان و برابر هستند مانند دندانهای شانه.

- ۳- بنده کسی نباش همانا خدا تو را آزاد آفریده است. (نهج البلاغه).
- ۴- ای گروه مومنان پاسدار عدالت باشید در گواهی دادن خدا را در نظر بگیرید هر چند بزبان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندانتان باشد و بنا حق از هیچکس چه توانگر باشد چه تهیدست جانبداری نکنید خدا اولی برعایت حق آنان است و در حکم و شهادت هرگز از هوای نفس پیروی نکنید. (سوره نساء، ۱۳۵)
- ۵- دشمنی با قومی شمارار به بی عدالتی و ادا نکند (۸ سوره مائده).
- ۶- پیشینایان شما نابود شدند بدان سبب که بمساوات حکم نمیکردند هر گاه یکنفر از سردمداران دزدی میکرد او را رها مینمودند هر گاه فرد ضعیفی دزدی میکرد مجازاتش مینمودند. (حدیث نبوی ۴ بخاری).
- ۷- بر شما است دربارہ دوست و دشمن به عدالت رفتار کنید.
- ۸- به اهل قبله (مسلمانان) زور نگوئید و به اهل ذمه (غیر مسلمانان) ستم روا ندارید. (نهج البلاغه).
- ۱- هرگز کسی را که خدا خونش را حرام کرده است بنا حق نشکید. (سوره انعام، ۱۵۱)
- ۲- هرکس نفسی را که خونی نریخته و با فسادی در روی زمین بر نیانگیخته است بقتل برساند مانند آنست که همه مردم را کشته است. (سوره مائده، ۳۲)
- ۳- همانا مجازات کسانی که با خدا و رسول او بستیز برخاسته و در روی زمین فساد برانگیخته و سلب امنیت مینمایند آنست که کشته شوند و یا بدار آویخته شوند و یا دست و پایشان چپ و راست بریده شود. (سوره مائده ۳۲).
- ۴- بشر ناموفق برفع مشکلات زندگی انسانها تن در نداد بردگی و گرسنگی را از میان برداشت. (۱۱-۱۲-۱۳-۱۴- سوره بلد)
- ۵- برترین مردم کسی است که انسانها را میفروشد.
- ۶- خدا آنرا که در دنیا بمردم شکنجه و آزار میدهند عذاب خواهد کرد. (حدیث نبوی ۴۴ - مسلم).
- ۷- پشت و سر و بر مسلمان در حمایت قانون است و جز بحکم قانون نمیتوان بوی تازیانه زد. (حدیث نبوی ۴۴).
- ۸- هر کس فرد ذمی را که در حمایت اسلام زیست میکند آزار بدهد مرا آزار داده است. (حدیث نبوی ۴۳ - شرح ابن میثم)
- ۹- هر کس که ستمی بر او رفته بداد خواهی برخیزد و یاری طلبد نباید مورد مواخذه شود مسئولیت و مواخذه متوجه آنگروه است که بمردم ستم روا میدارند و در روی زمین بنا حق زور میگویند (۴۱-۴۲ شوری).